**( نو) قوای جسمانيّه و قوای معنويّه**

در انسان قوای خمسه ظاهره جسمانيّه موجود و اين قوی واسطه ادراک است يعنی باين قوای خمسه انسان کائنات جسمانيّه را ادراک کند قوّه باصره است که ادراک صور محسوسه نمايد قوّه سامعه است که ادراک صوت مسموع کند و قوّه شامّه است که ادراک مشموم نمايد و قوّه ذائقه است که ادراک مطعوم کند و قوّه لامسه است که در جميع اعضای انسان منتشر و ادراک ملموس نمايد اين قوای خمسه ادراک اشياء خارجه نمايد . و همچنين انسان قوای معنويّه دارد قوّه متخيّله که تخيّل اشيا کند و قوّه متفکّره که تفکّر در حقائق امور نمايد و قوّه مدرکه است که ادراک حقائق اشيا کند و قوّه حافظه است که آنچه انسان تخيّل و تفکّر و ادراک نموده حفظ نمايد و واسطه ميان اين قوای خمسه ظاهره و قوای باطنه حسّ مشترکست يعنی در ميان قوای باطنه و قوای ظاهره توسّط نمايد و قوای ظاهره آنچه احساس نموده گرفته بقوای باطنه دهد اين را حسّ مشترک تعبير نمايند که مشترک در بين قوای ظاهره و قوای باطنه است . مثلاً بصر که از قوای ظاهره است اين گلرا بيند و احساس کند و اين احساس را بقوّه باطنه حسّ مشترک دهد حسّ مشترک اين مشاهده را بقوّه متخيّله تسليم نمايد قوّه متخيّله اين مشاهده را تخيّل و تصوّر کند و بقوّه متفکّره رساند و قوّه متفکّره در آن تفکّر نمايد و بحقيقتش پی برده پس بقوّه مدرکه تسليم کند و قوّه مدرکه چون ادراک نمود صورت آن شیء محسوسرا بحافظه تسليم نمايد و قوّه حافظه حفظ نمايد و در محفظه قوّه حافظه محفوظ ماند . و قوای ظاهره پنج است قوّه باصره و قوّه سامعه و قوّه ذائقه و قوّه شامّه و قوّه لامسه قوای باطنه نيز پنج است قوّه مشترکه قوّه مخيّله قوّه متفکّره قوّه مدرکه قوّه حافظه .